

مسکن و محیط زیست

شماره ۴۱۳۴ ◆ تابستان ۹۰ ◆

فرهنگ و مسکن

مسکن و محیط
زیستا

شماره ۱۳۴ ◆ تابستان ۹۰ ◆ ۳

شهرام پوردیهیمی *

۱۳۸۹/۱۲/۲۴

۱۳۹۰/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت مقاله:

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

هدف از طراحی محیط، تنها بر محور بیان‌های زیبایی شناسانه قرار نمی‌گیرد بلکه طراحان معمولاً از طریق ادراک موضوع طراحی، تشخیص مسائل و ارائه راه حل‌ها، طرحی را به نتیجه می‌رسانند که نه تنها به نیازهای کیفی کاربران پاسخ می‌گوید بلکه محیطی زیبا نیز خلق می‌نمایند. بنابراین هدف طراحی، خلق محیطی با اجزایی نظری قرارگاههای رفتاری و مبلمانهایی است که همه آن‌ها متناسب با نیازهای رفتاری، انتظارات، توقعات و نیازهای کیفی کاربران متناسب قرار می‌گیرند. این بدان معناست که محصول چنین تلاشی باید بر اساس شناخت ویژگی کاربران یعنی "فرهنگ" آنان باشد، تا بتواند به نیاز آنان پاسخ گوید.

مردم و رفتارهای آنان بخشی از سیستم محیط‌های مسکونی می‌باشند، به طوری که رفتار و محیط را نمی‌توان از یکدیگر جدا فرض نمود. رفتارهای انسانی همواره در بستر محیط شکل می‌گیرند و نمی‌توان بدون در نظر داشتن تأثیر محیط، شرایط رفتاری را مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار داد. بنابراین طراحی باید با تکیه بر داشتن چگونگی تعامل انسان با محیط به نتیجه برسد. در حالیکه این دانش هیچ گاه کامل و بدون نقص نیست، طراحان نیز نباید بر اساس نقطه نظرهای شخصی عمل نمایند. اما تصمیمات طراحی می‌تواند در هر مقطع زمانی بر اساس اطلاعاتی که از طریق تحقیق به دست می‌آیند، اتخاذ شود.

فرهنگ یک مفهوم و ساختار نظری است، از سوی دیگر یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات نظری تفکر انسان، جهان بینی، دیدگاه، رفتار و چگونگی انجام آن می‌باشد، معمولاً طراحان همواره بر اهمیت فرهنگ در محیط‌های مصنوع تأکید بسیار دارند، اما هیچ کدام در مورد چیستی آن یا چگونگی تأثیر فرهنگ بر محیط‌های انسانی به طور واضح سخن نگفته‌اند، زیرا طبیعت مفهوم فرهنگ خیلی روش نشده و مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. چنانچه وجود مختلف و حدود آن روشی گردد، می‌توان از مفهوم فرهنگ و وجود آن در طراحی محیطی به نحوه قابل درکی استفاده نمود.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مسکن، روش زندگی، محیط و معنا.

* استاد گروه آموزشی معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

- آداب رفتاری با چه ساز و کاری بر محیط‌های مشترک بین واحدهای مسکونی تأثیر می‌گذارد؟
- شیوه زندگی ساکنان چه ملاحظاتی را بر محیط مشترک مسکونی تحمیل می‌نماید؟

فرهنگ

فرهنگ را از جهتی به "فرهنگ مادی" و "فرهنگ معنوی" تقسیم کرده‌اند (آشوری، ۱۳۸۱). فرهنگ مادی همه وسائل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته شده و شیوه‌ها و فرایندهای ساخت و ساز آن‌ها می‌دانند؛ و فرهنگ معنوی را شامل ارزش‌ها، باورها، اندیشه‌ها، دانش و فن‌ها، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه، ادبیات، هنر و همه فراورده‌های ذهنی انسان مطرح می‌کنند.

اما آنچه در ماهیت فرهنگ اهمیت دارد آن است که بن مایه‌های فرهنگی از طریق اجتماع و آموزش قابل انتقال است، لذا فرهنگ شامل همه بن مایه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی است که فرد در درون آن زاده و پرورده می‌شود و از این راه به او "هویت فرهنگی" ارزانی می‌شود، که کل گرایش‌های رفتاری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یعنی رشد یافتن در یک فضای فرهنگی، نظامی از ارزش‌ها و معناها و هنجارهای رفتاری را چنان در ژرفنای وجود فرد یا طبیعت او می‌نشاند که کل نظام رفتاری او را پدید می‌آورد، یعنی تمام خواستن‌ها و نخواستن‌هایش را در وجود او می‌سازد. حتی تمامی نظام طبیعی حسی او را چنان در خود فرو می‌گیرد که بوها، مزه‌ها، رنگ و آواهای خوشایند و ناخوشایند را نیز از راه نظام فرهنگی خود دریافت و ارزیابی می‌کند.

تمامی آنچه در روان‌شناسی، خودآگاهی و ناخود آگاهی فردی و جمعی نامیده می‌شوند نیز از درون همین نظام بر می‌آید و تمامی ویژگی‌های فردی و جمعی از

انسان موجودی است که از طریق فرهنگ بر طبیعت چیره گشته و از مرحله بربریت، سرانجام به جامعه متبدن مدرن رسیده است. در سال ۱۸۷۱ میلادی سر ادوارد بربنت تایلور انسان شناس (آشوری، ۱۳۸۱) انگلیسی با نشر کتاب فرهنگ ابتدایی واژه فرهنگ را به معنای علمی تازه در حوزه انسان‌شناسی مطرح نمود اما این علم تا سال ۱۹۲۰ میلادی هیچ گاه مورد استفاده قرار نگرفت. فرهنگ به مفهوم سنتی آن به معنی تمدن استفاده می‌گردید، و فرهنگ افراد بر اساس رفتارهای آنان، غذا، موسیقی، هنر و ادبیات که ویژگی خاصی داشتند شناخته می‌شد، در حالی که تایلور فرهنگ را کلیت درهم تافه‌ای شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که انسان را به گروه‌های خاصی از اجتماعات پیوند می‌دهد - که تعریف جامعی از فرهنگ می‌باشد - معرفی کرده است.

مفهوم تازه فرهنگ زمانی پدید آمد که نیاز به شناخت چگونگی و معنای زندگی و رفتار انسانی ضرورت پیدا کرد، زیرا مفاهیمی که علوم طبیعی برای شرح پدیده‌های طبیعی و زیستی برای بازگشت پدیده رفتاری انسانی ارائه می‌داد، رسا نبود چنان که رفتار انسانی را نمی‌توان تنها بر اساس نیازها و ساز و کارهای زیستی مانند نیاز به خوراک یا سرپناه برای ماندگاری فرد مطرح نمود. زیرا نیازهای حیاتی او همان نیازهای حیوانی است، در حالی که نیازها در دنیای انسانی با درآمیختگی با ارزش‌ها، آرمان‌ها، انتظارات، اخلاقیات، آداب و سنت‌ها شکل پیچیده‌ای به خود می‌گیرند.

سؤالات تحقیق

- کدام یک از عوامل فرهنگی در طراحی محیط‌های مسکونی مؤثر است؟

می‌نماید. اما در این تعاریف به سه مورد اصلی توجه شده و این موارد می‌توانند هدف اصلی در استفاده از فرهنگ را مشخص نمایند که آن سه مورد، روش زندگی، جنبه‌های ذهنی انسان و عادات و همسازی با محیط‌های مختلف می‌باشد.

روش زندگی (Life style) به نحوه زندگی انسان‌ها که انتخاب می‌کنند مربوط می‌گردد و بر ایده‌آل‌ها، قواعد، قوانین، رفتارهای روزمره زندگی و نظایر آن استوار است. جنبه‌های ذهنی انسان‌ها به طرح‌واره‌های ذهنی، زبان و حتی انتخاب محیط‌های زندگی و نحوه استفاده از قرارگاه‌های رفتاری مربوط می‌گردد، که این جنبه‌ها از نسلی به نسل دیگر از طریق تبادلات فرهنگی انتقال پیدا می‌کند.

همسازی با محیط به موضوعاتی نظری استفاده از منابع موجود در محیط و روش‌های خاصی که انسان برای استفاده از سیستم‌های طبیعی در محیط‌های مختلف برای بقا خود کشف نموده، نظر دارد.

هدف از فرهنگ در روش زندگی، فراهم نمودن شرایطی برای زندگی است که از طریق ارائه قانونمندی‌های لازم برای چگونگی شکل‌گیری آن مطرح می‌شود. هدف از جنبه ذهنی کنترل همه مواردی که در روش زندگی وجود دارد، می‌باشد. این شرایط نه تنها کنترل را از راه تطبیق موارد فوق با اطلاعات ذهنی افراد امکان پذیر می‌نماید، بلکه عامل مهمی برای پدید آوردن معنی نیز می‌باشد. همسازی در محیط‌های مختلف، تعریفی برای مشخص کردن گروه‌های اجتماعی است، هدف اصلی جداسازی گروه‌های مختلف، مشخص نمودن تفاوت آن‌ها با یکدیگر است. لذا در ترکیب جنبه‌های مختلف فرهنگ با یکدیگر، می‌توان مشاهده نمود که تأکید اصلی بر روش زندگی افراد و روش زندگی اجتماعی آنان می‌باشد.

همین طریق پدید می‌آیند. به عبارت دیگر، زندگی انسانی یک زندگانی فرهنگی است که با عالم ارزش‌ها و معناها چنان جوش خورده است که از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

نظام فرهنگی به فرد یک نظام ارزشی و معنایی می‌بخشد که نظام رفتاری فردی پدید می‌آید و از قرار گرفتن نظام رفتاری افراد در درون نهادها و ساختارهای اجتماعی نظام‌های رفتاری جمعی، که جوامع را از یکدیگر جدا و بازشناسی می‌کند، بر می‌آیند. فرهنگ هم نظام حسی و عاطفی، یعنی نظام ارزشی و معنایی ناخود آگاه را به فرد می‌دهد و هم نظام ارزشی و معنایی خود آگاه را؛ یعنی نظامی که قالب آداب اخلاقی و نظری و به اصطلاح "جهان‌بینی فردی و جمعی" را منعکس می‌کند.

فرهنگ یک ایده، اندیشه، مفهوم و ساختار نظری است؛ همچنین یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات نظری تفکر انسان، اعتقادات، اعمال و چگونگی انجام آن می‌باشد. عموماً اغلب طراحان و محققین بر اهمیت و تأثیر فرهنگ در محیط‌های ساخته شده همواره تأکید داشته‌اند، اما هیچ کدام در مورد چیستی فرهنگ یا چگونگی تأثیر آن اظهار نظری ننموده‌اند (Rapaport, 2005).

زیرا اولاً طبیعت مفهوم فرهنگ خیلی روشن نشده، ثانیاً هیچ گاه موضوع فرهنگ به منظور تعیین وجهه و حدود آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. بررسی و تحلیل وجهه مختلف در آن و روشن کردن حدود آن‌ها، می‌تواند در به‌کارگیری آن در طراحی محیط بسیار سودمند باشد.

همچنان که اشاره شد، فرهنگ را می‌توان شامل هر آنچه که خصوصیات ویژه‌ای به انسان‌ها می‌دهد در نظر گرفت. از سوی دیگر تعاریف متعددی نیز توسط محققان مختلف ارائه شده که موضوع فرهنگ را بسیار پیچیده

باید توجه داشت، تعاریف مختلفی که از فرهنگ ارائه گردیده، در تضاد یا تناقض با یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه این تعاریف مکمل یکدیگرند. نکته دیگر اینکه در علوم، یا در موضوعات مختلف استفاده از فرهنگ با اهداف متفاوت صورت می‌گیرد. این تعاریف مختلف که وجوده گوناگونی را مد نظر قرار می‌دهند کاربردهای وسیع تری از فرهنگ را در علوم و موضوعات میسر می‌کنند.

اما در محیط‌های ساخته شده، برقراری ارتباط بین فرهنگ و محیط زندگی، به سبب کلی گرایی و مختصر بودن تعریف فرهنگ، غیر ممکن به نظر می‌رسد. لذا به منظور آگاهی از ابعاد و وجوده خاصی از فرهنگ که در طراحی تأثیر دارند، باید تعاریف لازم برای آن‌ها ارائه گرددند.

فرهنگ کاربران و محیط مصنوع

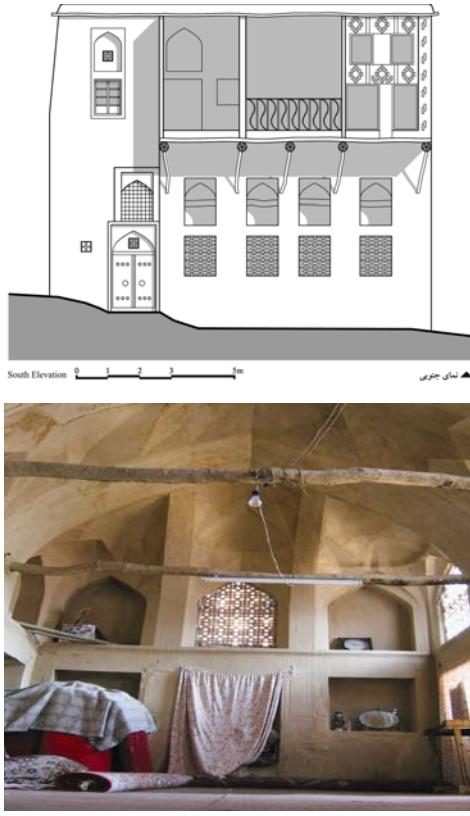
در طراحی محیط‌های مصنوع، کاربران در گروه‌های اجتماعی مختلف از موضوعات کلیدی می‌باشند و در بیشتر اوقات فرهنگ کاربران متفاوت از فرهنگ طراحان می‌باشد. این تفاوت‌ها ممکن است حتی در خرده فرهنگ‌ها نیز وجود داشته باشد. تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به سبب تعابیر و تفاسیر متفاوتی از محیط‌ها و رفتارهای درونی آن‌ها توسط طراحان، مشکلات بسیاری را برای کاربران به وجود آورد. لذا در تمام شرایط، قرارگاه‌ها و رفتارهای درون آن‌ها باید به خوبی تجزیه و تحلیل و تعریف گرددند. زیرا در قرارگاه‌های رفتاری "بعد معنایی ویژه‌ای" وجود دارد که به فرهنگ کاربران وابسته می‌گردد و نوع استفاده از آن‌ها، مکان قرارگیری، نحوه همچواری شان و وسعت کل سیستم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تحلیل آن‌ها تلاش دارد نشان دهد که افراد چه کارهایی را در کجا،

چه وقت، چرا و با چه کسانی انجام می‌دهند. زیرا ارتباط انسان با محیط از طریق ساز و کار ادراک صورت می‌گیرد. از سوی دیگر معانی محیط‌های مصنوع و ادراک افراد از آن، به سبب تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند متفاوت باشد. لذا معنی در محیط‌های رفتاری به قرارگاه‌ها، مکان‌ها و گروه‌های کاربران وابسته می‌باشد. کاربران بر اساس فرهنگ طبقه‌بندی می‌گردند و بسیاری از رفتارهای اجتماعی نیز به فرهنگ وابسته می‌باشد.

گوناگونی بسیار زیاد فعالیت‌ها، قرارگاه‌های بسیار زیادی که بر اساس نیازهای فرهنگی شکل می‌گیرند را به وجود می‌آورند. این بدان مفهوم است که، "معنی" در محیط‌های ساخته شده چیزی نیست که به عملکرد اضافه می‌گردد، بلکه "معنی" خود مهم‌ترین عاملی است که محیط باید به آن پاسخ دهد. لذا نیازهای کیفی اغلب مهم‌تر از نیازهای کمی هستند و به همین دلیل است که در اغلب مواقع کاربران در انتخاب‌های خود به گونه‌های متفاوتی عمل می‌کنند، زیرا نیازهای کیفی نقش اصلی را در ارزیابی و ترجیحات آن‌ها ایفا می‌کنند. لذا "بعد معنایی" نقش مهمی در خلق فضاهای گوناگون دارد. یعنی در برخی از فضاهای که روش استفاده مشابهی دارند، به سبب شیوه زندگی متفاوت کاربران قواعد و استانداردها در آن‌ها معمولاً متفاوت از یکدیگر می‌گردند. برای مثال ارزش گذاری بر سطح روشنایی محیط‌های زندگی، میزان صدا، دمای محیطی در آن‌ها، بعد، نوع و شکل پله‌ها، ایجاد هویت در محیط‌های مسکونی و کار، میزان تراکم و ازدحام در محیط‌های مسکونی، از نمونه موضوعاتی هستند که در بسیاری از نقاط با یکدیگر متفاوتند (Rapaport, 2005).

در تحقیقات انجام یافته، میزان سطح روشنایی در آمریکا بین ۱۰ تا ۲۰ برابر بیشتر از سطح روشنایی در فنلاند و سوئد می‌باشد. همچنین میزان تراکم مسکونی در

برنامه‌ریزی باید این اولویت‌ها را به خوبی شناسایی نمایند. عموماً معیارهای مورد نظر کاربران در فرایند انتخاب اولویت‌ها، بر اساس اصلاح و بهبود محیط فیزیکی زندگی شان قرار دارد، که بر زمینه فرهنگی آنان استوار است. معیارهایی که در خانه‌های بومی در اجتماعات سنتی به کار گرفته شده، بر اساس نیازهای کاربران در شرایط تکنولوژیکی، اعتقادی و اجتماعی آن دوران بوده است، که بدون در نظر داشتن و آگاهی از معیارهای آن‌ها، محیط‌های سنتی قابل درک نخواهند بود. اگر چه در طول دوران مدرن معیارهای مورد نظر کاربران در بسیاری از جوامع تغییر یافته‌اند، اما در برخی از اجتماعات معیارهای سنتی هنوز باقی هستند. (تصویر شماره ۱)



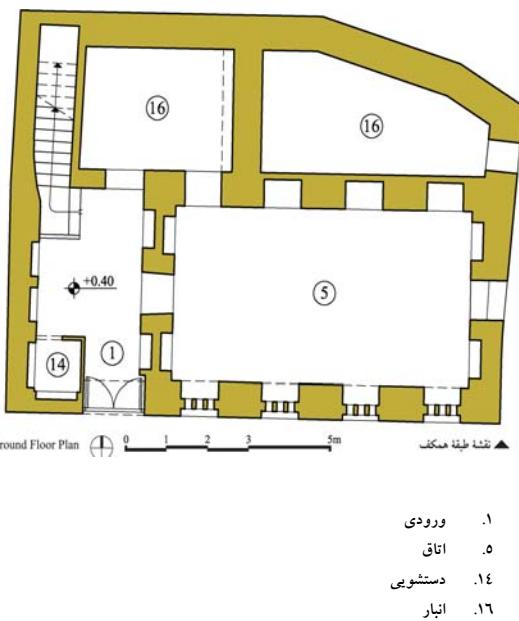
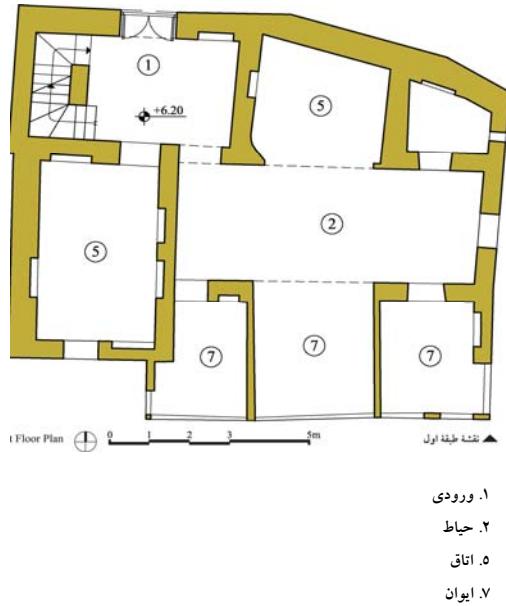
سازماندهی فضای داخلی متناسب با نیاز کاربران.

هنگ کنگ ۵۰ تا ۴۰ برابر بالاتر از تراکم مسکونی در آمریکا است. در واقع تراکم بالا در یک زمینه فرهنگی معنایی کاملاً متفاوت در زمینه فرهنگی دیگر دارد. در محیط‌های مسکونی، فرهنگ نقش پر اهمیتی در تعییر و تفسیر تراکم و میزان فضای باز بین ساختمان‌ها خواهد داشت (Rapaport, 2005).

فرهنگ می‌تواند نقش متفاوت خود را از طریق ساز و کارهای متفاوت ایفا نماید. تمایل یا عدم تمایل به معاشرت و تعامل با خویشاوندان، یا با افراد غریبه به فرهنگ اجتماعی وابسته می‌گردد. معنی خویشاوندی نیز در فرهنگ‌ها متفاوتند. همچنین نوع حریم فضاهای انتظام فضاهای و رفتارها در طی زمان در آن‌ها و آداب و تعاملات، در فرهنگ‌ها متفاوت می‌باشند. بنابراین ساز و کار حریم‌های شخصی نیز از متغیرهای فرهنگی می‌باشند. تأثیر منفی تراکم و ازدحام منجر به ایجاد تنفس و فشارهای درونی می‌گردد. تنفس و فشارهای روانی به طور معمول حاصل ارزیابی یا حاصل یک شرایط نامطلوب نسبت به شرایطی قابل قبول، یا معانی است که در هر شرایط به وجود می‌آید. برای مثال؛ وجود اشراف به داخل فضاهای باز یا بسته مسکونی، که به دلیل تراکم زیاد و ازدحام به وجود می‌آید، به تعریف "افراد غریبه و نوع ترفندهای مختلف برای جلوگیری از اشراف" ارتباط و بستگی پیدا می‌کند. عوامل ایجاد کننده فشارهای روانی به میزان توقعات افراد، قواعد و آداب زندگی آن‌ها و طرح واره‌های ذهنی شان بستگی پیدا می‌کند، که همه این شرایط از عوامل فرهنگی سرچشمه می‌گیرند. از سوی دیگر طراحی که فرایندی از انتخاب راه حل بهینه از بین گزینه‌های مختلف می‌باشد، باید با هدف دستیابی به برترین شرایط ممکن برای تأمین خواسته‌های کاربران انجام گیرد. لذا باید اولویت‌های مورد نظر کاربران در درجه اول اهمیت قرار گرفته و طراحان در مرحله

فرهنگ‌های مختلف معیارهای متفاوت و زیادی را برای ارزیابی در نظر می‌گیرند، معیارها می‌توانند بر اساس شأن و مرتبه افراد، طرح وارهها و تصاویر ذهنی، ایده‌آل‌ها، قانون مندی، آداب زندگی و آداب اجتماعی شکل گیرند، که تفاوت در معیارها، تفاوت‌های فرهنگی گروه‌های مختلف و محیط آنان را مشخص می‌نمایند. در بسیاری از جوامع با وجود تشابه بعضی از معیارهای فرهنگی آن‌ها، معیار مرتبه اجتماعی افراد، اقتصاد-اجتماعی و اولویت نیازهایشان، اختلاف فاحشی را در کیفیت‌های محیطی و اجتماعی آن‌ها به وجود می‌آورد.

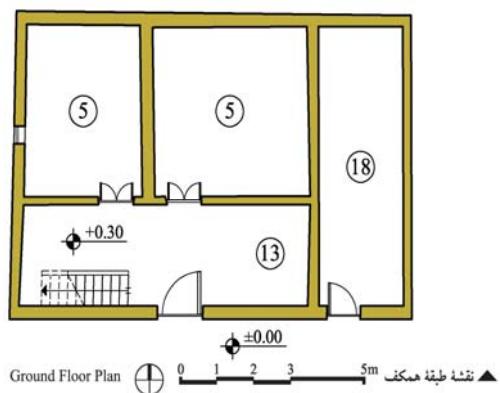
معیارهای کیفی و چگونگی به کارگیری آن‌ها در طراحی محیط‌های مصنوع، بر بعضی از ایده‌آل‌ها و برخی از تفکرات مردمی ایده‌آل تأثیر داشته و منجر به یک زندگی ایده‌آل در محیطی ایده‌آل می‌گردد. این گونه شرایط در طرح وارهها و تصاویر ذهنی ساخته می‌شوند، و اغلب یا معمولاً مفهومی و غیر قابل تغییرند، و در ذهن ناخودآگاه انسان‌ها قرار دارد، و به قواعد و استانداردها و نظایر آن وابسته می‌گردند. این عوامل از طریق توقعات و انتخاب‌ها، به نوعی خاص از تفکر درباره کیفیت محیطی منجر می‌گردد و "معنی" در این میان به عنوان اصلی ترین عامل نقش ایفا می‌کند. بنابراین کیفیت محیطی با شأن و مرتبه افراد، هویت آن‌ها، و نظایر آن در ارتباط قرار می‌گیرد. قوانینی که برای ایجاد معیارها استفاده می‌شوند، قوانین فرهنگ - اجتماعی است، که از طریق قوانین اجتماعی، طرح واره‌های ذهنی و ایده‌آل‌ها تعیین می‌گردند. با تغییر فرهنگ، ایده‌آل‌ها و تصاویر ذهنی نیز تغییر می‌کند، در چنین شرایطی ایده‌آل‌ها و تصاویر و در نتیجه محیط‌های زندگی گرایش به طرف معیارهای عمومی پیدا می‌کنند. هم چنان که قبلًاً اشاره گردید، اصطلاح فرهنگ، یک ساختار نظری است و یک



"ت ۱" خانه کبیریان، ایانه، شهرستان نظری.
نیازهای کاربران با توجه به شرایط تکنولوژیکی، اعتقادی و
اقلیمی دوره زمانی خود تعریف و اجرا شده است.

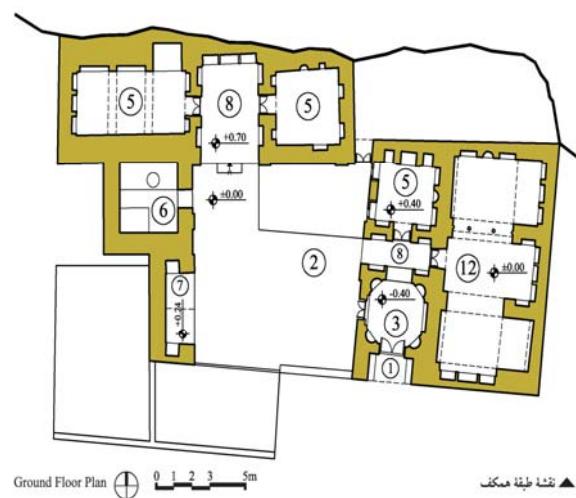


نمای اصلی.

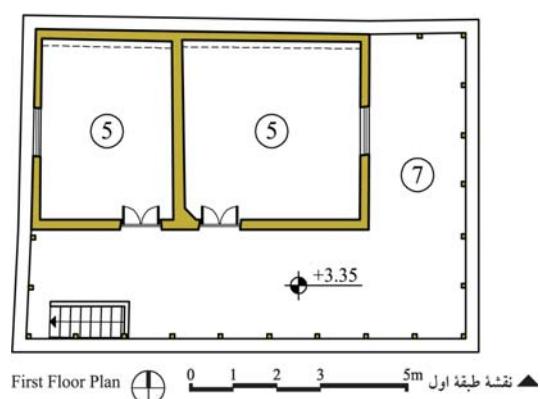


۵. اتاق
۱۰. آشپزخانه
۱۳. آشپزخانه
۱۸. طوبیله

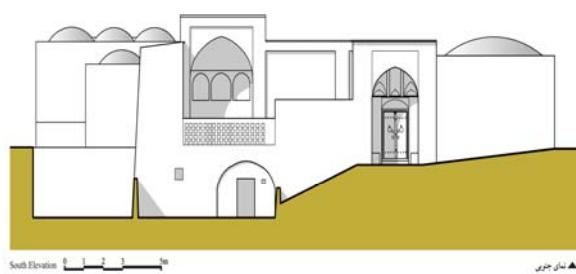
ویژگی بسیار وسیعی از پدیده‌های انسانی را مشخص می‌نماید، لذا محدوده‌ای بسیار وسیع دارد و تعاریف بسیار زیادی برای آن ارائه شده است، در نتیجه تبیین رابطه فرهنگ و محیط بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین، چنین اصطلاح کلی نمی‌تواند به طور مفید شرایطی را تشریح نماید که تأثیر دانش در طراحی مورد استفاده قرار گیرد. لذا برای عملی کردن آن در طراحی، باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (تصویر شماره ۲ و ۳)



۱. ورودی
۶. شاه نشین
۷. ایوان
۲. حیاط
۸. راهرو
۳. هشتی
۱۲. مجلسی
۵. اتاق



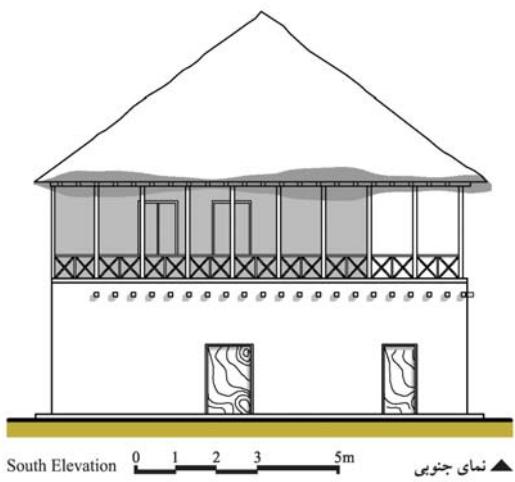
۵. اتاق
۷. ایوان



"ت ۲" خانه مهدوی، تیکدر، شهرستان زرند، کرمان.
حياط به عنوان فضای زندگی در اقلیم کویری زرند
مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ارائه داده است و اظهار می‌دارد که این روش به هر حال درک عمومی از ماهیت کل نگر فرهنگ و اجزای کلی تشکیل دهنده آن را تا حدودی ارتقاء می‌بخشد. در این روش بخش‌هایی از محیط با اجزائی از فرهنگ نظیر، جهان بینی، ارزش‌ها، تصورات، هنگارها، روش زندگی و سیستم‌های فعالیت می‌تواند در ارتباط نزدیک قرار گیرد. جهان بینی هنوز مفهومی انتزاعی است که استفاده از آن مبهم به نظر می‌رسد، شاید بتوان اظهار داشت که جهان بینی نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی شناسی است. لذا یکی از جنبه‌های آن ارزشهاست، که انتخاب‌ها و اولویت‌های مورد نظر کاربران به آن‌ها وابسته است. انتخاب نوع مسکن، محیط‌های همسایگی و اقتصاد گروه‌های اجتماعی از موضوعاتی هستند که به ارزش‌ها بستگی پیدا می‌کنند.

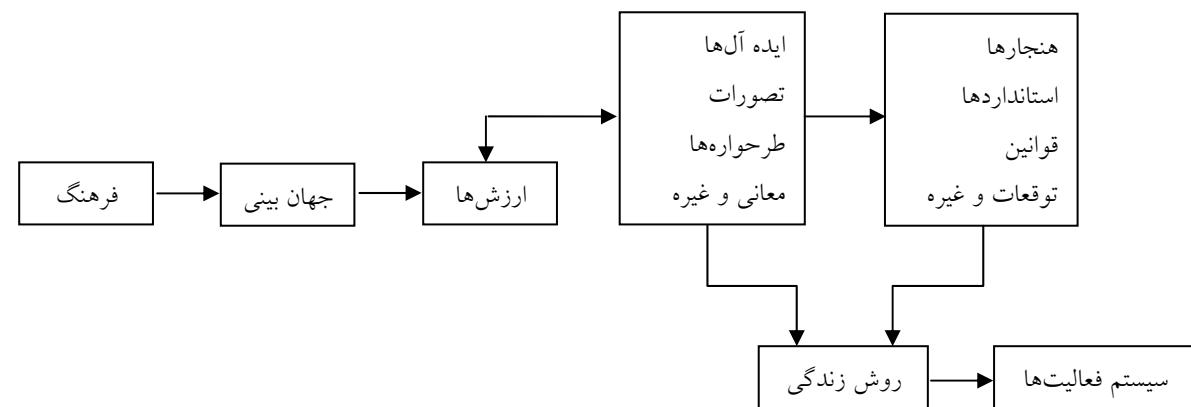
ارزش‌ها که در ارزیابی محیط نقش مهمی ایفا می‌کنند، از طریق ایده آل‌ها، تصورات، طرح واره‌ها و معانی بیان می‌شوند که این جنبه‌ها منجر به ایجاد هنگارها، استانداردها، قوانین، توقعات و ... می‌گردند، که در نهایت همه آن‌ها به روش زندگی وابسته هستند. مفهوم روش زندگی به طور ویره به انتخاب کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های زندگی، فعالیت‌ها و شیوه فعالیت‌ها که مربوط به روش زندگی در محیط‌ها می‌باشد، منجر می‌گردد. روش زندگی مفهومی است که به هر حال در محیط‌های ساخته شده بر اساس ارزش‌ها یعنی ایده آل‌ها، تصورات، طرح واره‌ها و ... شکل می‌گیرد و در جوامع پدید می‌آید. آنچه که در ماهیت روش زندگی در محیط‌های ساخته شده اهمیت پیدا می‌کند آن است که روش زندگی منحصر به یک فضای نیست، بلکه در مقیاس‌های مختلف و در محیط‌های گوناگونی پدید می‌آید، به همین سبب تنوعات زیادی پیدا می‌کند.



حجم کلی بنا.

"ت ۳" خانه بردبار، ماکلوان، شهرستان فومن.
به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، معيشی، اقلیمی سازمان
فضایی خانه متفاوت با دیگر گونه‌های مسکن است.

راپاپورت در دهه ۱۹۷۰ (Rapaport) با هدف آگاهی از ساختار کلی فرهنگ و عوامل تأثیر گذار آن بر محیط‌های ساخته شده آن را به اجزایی تقسیم می‌کند، او با آگاهی از این موضوع که تجزیه فرهنگ در سطوح کلی هنوز قابلیت ارتباط با محیط را ندارد پیشنهاد خود را



"ت ۴" تجزیه فرهنگ در پاسخ به ماهیت کل نگر آن. (راپورت، ۲۰۰۵)

اهداف در روش زندگی نقش اصلی را ایفا می‌کند، مشخص می‌گردند. موضوع مفهومی هر مبحث، جنبه، مسئله یا وضعیتی است که یک جواب طراحی را می‌طلبد تا طرحی موفق ارائه گردد. موضوعات مفهومی، در مدیریت گردآوری اطلاعات و تنظیم اطلاعات نیز بسیار مؤثر می‌باشند. آن‌ها اکثر مباحث پایه در طراحی را در بر می‌گیرند و عموماً اولویت و اهمیت، در ساختمان‌ها با کارکردهای متفاوت، مختلف می‌باشند. برخی از آن‌ها عبارت از قلمرو، سلسله مراتب، امنیت، حریم، انعطاف پذیری، قابلیت شنوایی، آسایش، راحتی، اقتصاد، مصرف مناسب انرژی، ارتباط، تعامل، دوام، تطبیق پذیری، تصویر ذهنی، تعامل، خوانایی، نگهداری، شخصی کردن فضا، ایمنی، تمیزی، حس بویایی، ماندگاری و نظایر آن می‌باشند.

در واقع ارزش‌های ویژه‌ای که در روش زندگی در سوژه‌های مختلف وجود دارند، اولویت موضوعات را تعیین می‌کنند. موضوعات در روش زندگی طیفی از کیفیت‌ها هستند که در بین دو حد مفرط قرار می‌گیرند. در یک پروژه خاص سطح مناسب این کیفیت‌ها به یکی از دو سرطیف متمایل می‌گردد، در حالی که در پروژه‌ای

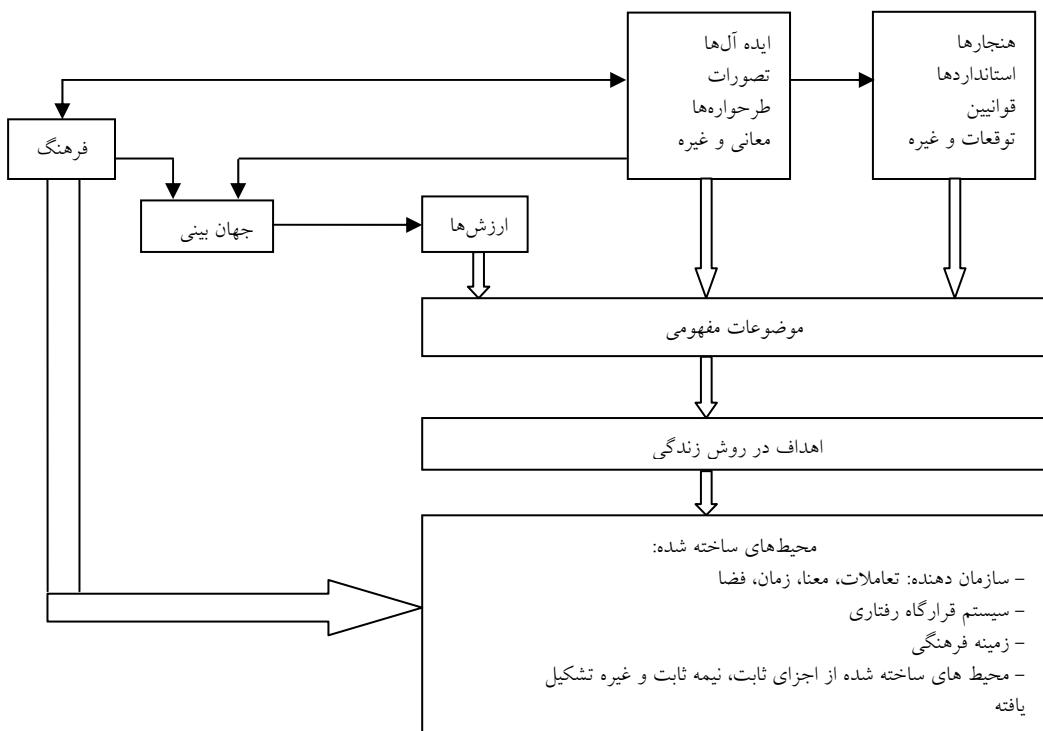
روش زندگی در هر یک از فضاهای زندگی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است.

روش‌های طبخ غذا یک تجلی فرهنگی است، زیرا در فرهنگ‌های مختلف تهیه غذاهای متفاوت، شرایط یکسانی نخواهند داشت، هم چنین روش زندگی در مجموعه‌ای از فضاهایی که با هدف مشخصی در یک بنا در نظر گرفته می‌شود نیز شرایط گوناگونی پیدا می‌کند. لذا می‌توان روش زندگی در محیط‌های ساخته شده را به روش زندگی در یک فضا، یا در مجموعه‌ای از فضاهای یک عرصه، روش زندگی در بنایی مختلف با کاربری‌های متفاوت، روش زندگی اجتماعی در محیطی کلان طبقه‌بندی نمود. زندگی اجتماعی نیز خود به دو گروه تقسیم می‌گردد، یکی زندگی اجتماعی خویشاوندی که شامل روابط با خویشاوندان و بنیان خانواده می‌گردد و دیگری زندگی اجتماعی عمومی، که شبکه‌های اجتماعی، نهادها و نظایر آن را در بر می‌گیرد.

در فرایند طراحی اهداف در روش زندگی، توسط "موضوعات مفهومی" به منصه ظهور می‌رسند. موضوعات مفهومی نیز از طریق ایده‌آل‌ها، تصورات، طرح واره‌ها، قوانین و استانداردها، که در به ثمر رسیدن

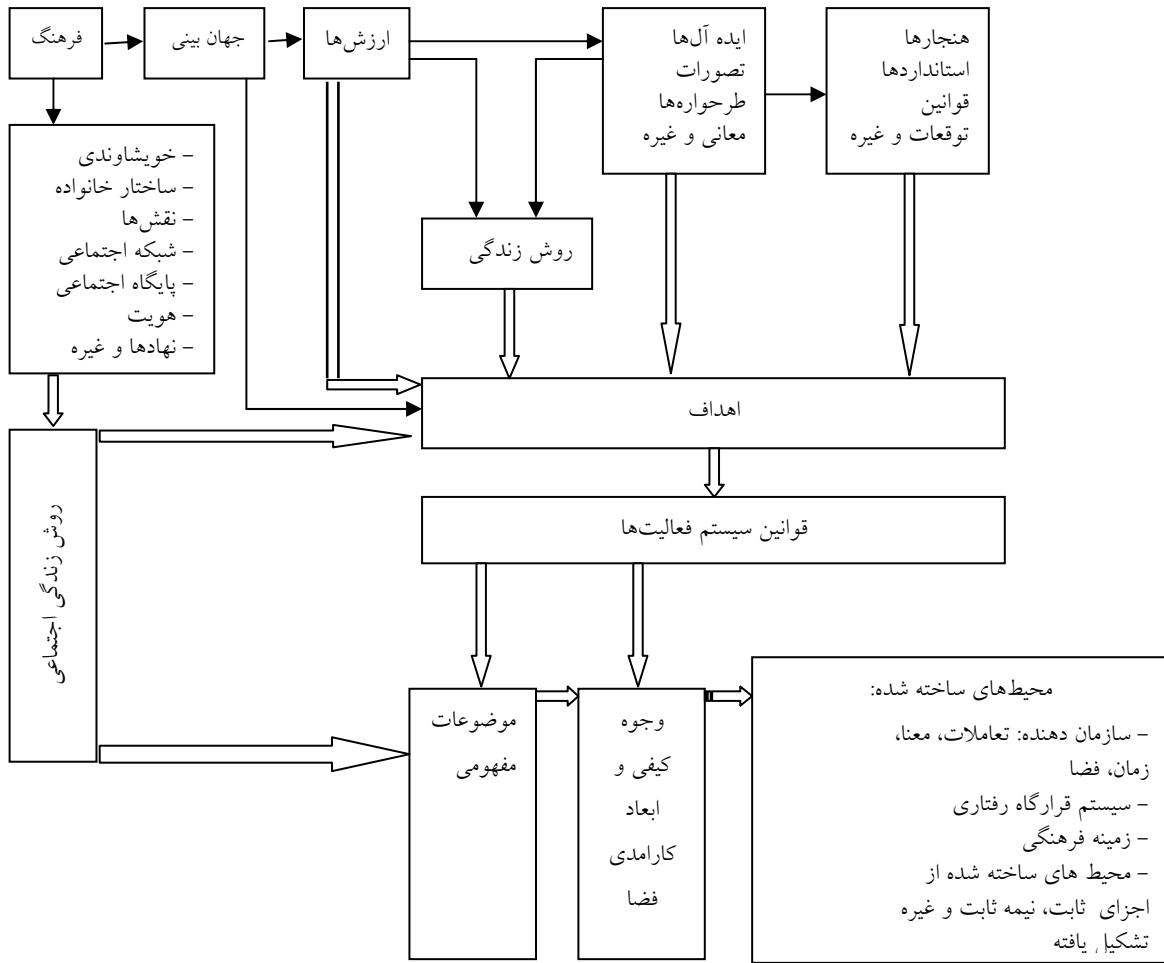
دیگر ممکن است در جهت عکس آن قرار گیرد. یعنی اهداف ایجاد بیمارستان در یک شهر، با اهداف بیمارستانی در ناحیه‌ای از شهر، یا بیمارستانی برای خدمات فرا منطقه‌ای متفاوت هستند. هم چنین در محیط‌های مسکونی که حریم و امنیت دو موضوع مهم در طراحی می‌باشند، نظارت و کنترل ساکنان بر فضاهای باز عمومی، در اولویت قرار می‌گیرد، در حالی که در برج‌های مسکونی به سبب جمعیت زیاد ساکن در آن‌ها، کنترل در ورودی و دسترسی افراد به فضاهای مشترک

داخلی برج در اولویت قرار می‌گیرد، به این ترتیب در برج‌های مسکونی به سبب جمعیت زیاد ساکن در آن‌ها، کنترل در ورودی و دسترسی افراد به فضاهای مشترک داخلی در اولویت می‌باشد، لذا هر پروژه اهدافی را برای اولویت بندی موضوعی دارد که به خوبی طیف کیفیت‌ها را نشان می‌دهند. در حقیقت هدف نهایتی است که انسان می‌کوشد تا آن را به دست آورد، یا تلاش‌های او به آن سمت جهت می‌گیرد. هدف، انسان را به حرکت وا می‌دارد و محركی برای تصمیم‌گیری‌های او می‌باشد.



"ت ۵" تجزیه روش زندگی و تأثیر آن در ماهیت محیط‌های ساخته شده.

ماخذ: نگارنده.



"ت ۶" تجزیه فرهنگ به اجزا و عناصر خرد و ارتباط آن با محیط‌های مسکونی. ضخامت پیکان‌ها و جهت آن‌ها متناسب با

تأثیر عناصر است.

ماخذ: نگارنده.

اغلب انسان‌ها به خود می‌گویند که اگر امکان داشت که جهان را با روش خود اداره کنند چقدر عالی بود، هر فردی راجع به چگونگی دنیای خود، ارزش‌ها و ایده‌آل‌هایی دارد، برخی اوقات این ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها کاملاً واضح و خود آگاه هستند، برخی اوقات

سایکس و داهل (sykes & dahl, 1983) اظهار می‌دارد که، درک انسان از مسائل طراحی چیزی نیست جز روشن کردن ارزش‌ها، تشخیص اولویت‌ها و در نظر گرفتن اهدافی که در تکمیل نیازها و عوامل بالقوه طراحی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند.

ناخود آگاه، ولی اولویت‌ها برای افراد مختلف متفاوت است، به خصوص در فرهنگ‌های متفاوت یا برای گروه‌های مختلف اجتماعی، اهداف بازتاب ارزش‌های فردی و فرهنگی هستند.

یادآوری ضرورت توجه به جنبه‌های کیفی فعالیت‌ها، یعنی "معنی در محیط‌های ساخته شده"، به این سبب است که ویژگی محیط‌های مسکونی، به ویژگی فعالیت‌های درونی آن‌ها وابسته است، که ارتباط بین فرهنگ و محیط آن‌ها را تعیین می‌کند، یعنی روش زندگی و نحوه فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی بسیار پر اهمیت می‌باشند. بنابراین تجزیه و تحلیل مجدد فرهنگ در طراحی محیط‌های ساخته شده ضروری به نظر می‌رسد. زیرا شیوه زندگی گروه‌ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه‌های اجتماعی نظیر؛ سن، جنس، نسل، طبقه، نژاد، قبیله، طایفه، مذهب، تحصیلات، حرفه، ایدئولوژی، این ویژگی را تعیین می‌کند، که می‌توانند شیوه‌های مختلف زندگی را پدید آورند. از سوی دیگر روش زندگی به طور فرایندهای در تقسیم بندي بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده‌کنندگان و در طراحی واحد‌های مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اطلاعات مورد نیاز درباره شیوه زندگی گروه‌های مختلف را می‌توان از طریق الگوهای مصرف، خوارک، پوشاسک، حمل و نقل، رسانه‌ها، کتب، سیستم فعالیت‌های زندگی، نوع تفریح، گذران اوقات فراغت، ارتباطات اجتماعی، نیاز به محیط‌های آموزشی و محیط‌های اجتماعی توصیف نمود. به هر حال نتیجه روش زندگی در تصویر مردم به زندگی ایده‌آل در محیط‌های ایده‌آل ختم می‌شود.

روش زندگی و مسکن

واحد مسکونی یک پدیده پیچیده‌ای است که هیچ تعریف واحدی برای توصیف آن کفایت نمی‌کند، اما

تمام تعاریف در یک موضوع واحد اتفاق نظر دارند که انسان‌ها با نقطه نظرات و ایده‌آل‌های متفاوت به محیط‌های فیزیکی مختلف پاسخ می‌گویند. پاسخ‌ها معمولاً از یک مکان به مکان دیگر متفاوتند، زیرا تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر زمینه‌های محیطی، جهان بینی افراد، شرایط اقتصادی و فرهنگ اجتماعی پدید می‌آیند. عوامل فوق و نحوه پاسخ گویی به آن‌ها در یک مکان با گذشت زمان به طور تدریجی تغییر می‌کنند. مسکن تنها یک ساختار نیست، بلکه یک "نهاد" است که برای مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌گردد و به سبب اینکه پدیده‌ای اجتماعی نیز می‌باشد، انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم فیزیکی آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آن تأثیر می‌پذیرد. خانه انسان‌های بدروی تنها یک پناهگاه نبوده، بلکه مفاهیم موجود در آن بیش از سودمندی، یا کالبدی فیزیکی بوده است (Rapaport, 1969).

هدف اصلی مسکن ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است، به بیان دیگر علاوه بر تأمین نیازهای شخصی باید نیازهای کیفی و نیازهای اجتماعی او را نیز برآورده نماید. بافت‌های مسکونی و ساختمان‌های بومی کمتر نتیجه امیال شخصی هستند و بیشتر نشان دهنده اهداف و امیال گروه‌ها برای یک محیط آرمانی می‌باشند. بنابراین آن‌ها دارای ارزش‌های نمادینی هستند که توسط فرهنگ اجتماعی به وجود آمده‌اند و می‌توان آن‌ها را محصول عوامل مشترک اجتماعی دانست. عوامل مشترک اجتماعی شامل تمام جنبه‌های محیطی و فرهنگ اجتماعی می‌باشد و از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مسکن و محیط‌های مسکونی هستند.

زمینه‌های محیطی که شامل همه اجزای موجود در محیط، یعنی محیط‌های ساخته شده موجود، شرایط

انسان بیشترین ساعات زندگی خود را در آن می‌گذراند و مکانی است که تعاملات مرسوم زندگی و Saunders, (1990). اینکه انسان چگونه از فضاهای خانه خود استفاده می‌کند نیز یک پدیده فرهنگی است. زیرا استفاده هدفمند از فضاهای مسکونی، آدابی را خلق می‌کند که تفاوت بین "خانه و کاشانه" (Home & House) را پدید می‌آورد (Lawrence, 1995).

کاشانه مکان امنی است که هم آسایش و هم انتظارات و توقعات انسان را تأمین می‌کند و هویت او را به نمایش می‌گذارد. لذا آدابی که در محیط خانه وجود دارد، فرایندی است که می‌تواند خانه را به کاشانه تبدیل کند (Perkins & Thorns, 2000). لذا این گونه محیطها ارزش‌های موردنظر کاربران را به میزان قابل قبولی تأمین می‌نمایند. بنابراین در طراحی توجه به موضوعات مختلف و معانی آن‌ها اهمیت بیشتری نسبت به عملکرد پیدا می‌کند (Chaney, 1996).

در جامعه شناسی "روش زندگی" (Life style) به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک دیده شده است و زندگی روزمره و رفتارها در زمینه اجتماعی خاصی معنی دار هستند. فعالیت‌هایی نظیر نوع و میزان ارتباطات اجتماعی افراد، نوع استفاده از فضای زمان، نوع روابط خویشاوندی و خانوادگی و نظایر آن در زمینه‌های مختلف اجتماعی فرهنگی متفاوت می‌باشند.

در مفهوم "روش زندگی" نوع فعالیت‌هایی که صورت می‌گیرند، دلیل انجام آن‌ها و این که فعالیت‌ها برای آن‌ها چه معنی دارند، را تشریح می‌کند. روش زندگی، روش‌های مختلف استفاده از مواد، محل‌ها و زمانی که آن‌ها صرف می‌کنند را مشخص می‌کند. به بیانی دیگر چگونگی استفاده از فضاهای خانه در زندگی روزمره را تعیین می‌نماید. (تصویر شماره ۸)

اجتماعی، شرایط فیزیکی و شکل عوارض طبیعی محیط، شرایط اقلیمی، مصالح در دسترس، روش‌های ساخت و فن آوری روز می‌باشند، که بر فرم و سازمان فضایی تأثیر می‌گذارند. اما تأثیر گذارترین جنبه محیطی بر شکل‌گیری مسکن، سلسله‌ای از عوامل اجتماعی می‌باشد. یعنی در نهایت عاملی که فرم فضا و نحوه ترکیب‌ها را در محیط‌های مسکونی به وجود می‌آورد "رویای انسانها از زندگی آرمانی" آنان می‌باشد. لذا می‌توان جنبه فرهنگ اجتماعی را عامل اصلی، و بقیه جنبه‌ها را عوامل ثانویه در نظر گرفت، عوامل فرهنگ اجتماعی نیز شامل عقاید مذهبی، ساختار طایفه‌ای، ساختار خانوادگی، سازمان اجتماعی، روش امراض معاشر، روابط اجتماعی بین افراد و خویشاوندان می‌باشد و معمولاً راه حل‌ها و نحوه پاسخ‌گویی به این گونه نیازها، نسبت به نیازهای فیزیکی محیطی بسیار متنوع‌تر هستند.

راپاپورت اظهار می‌دارد که مسکن و سکونتگاه‌ها توصیفی فیزیکی از عوامل مشترک اجتماعی هستند (Rapaport, 1969).

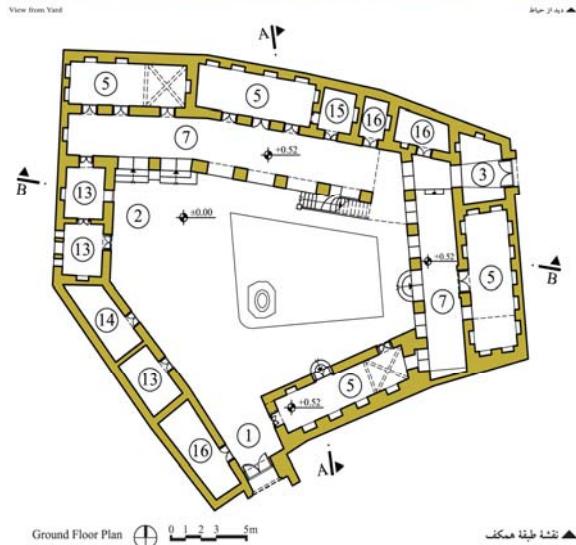
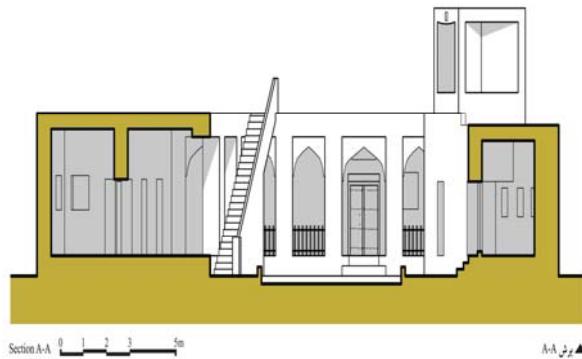
او هم چنین خانه را یک حقیقت انسانی می‌داند که انسان حتی در سخت‌ترین شرایط، برای دستیابی به خانه آرمانی خود تلاش نموده است، و می‌توان انتخاب‌های او را که مستلزم وجود ارزش‌های فرهنگی است، در آن مشاهده نمود. لذا فرهنگ اجتماعی، عامل اصلی در ساختار روش زندگی، و شکل فیزیکی خانه‌ها و سکونتگاه‌ها می‌تواند یک تجسم فیزیکی از محیط آرمانی در نظر گرفته شود.

"مفهوم خانه" به عنوان یک شکل کالبدی، بر اساس سازمان فضاهای داخلی قرار نمی‌گیرد، بلکه "معنی" در طراحی آن اهمیت پیدا می‌کند. در زندگی روزمره "معنی" در استفاده از فضاهای نهفته است. مکان‌ها دارای معنی هستند و خانه مکان اصلی فعالیت‌های روزانه انسان می‌باشد (Zukin, 1995).

آنچه که انسان در زندگی روزانه خود به انجام می‌رساند، انتظام بخشیدن به روش استفاده از فضاهاست. در واقع وجود رسم و رسوم زندگی، کوششی است برای حفظ فرهنگی خاص، بنابراین فعالیتی نظری غذا پختن باید به عنوان یک تجلی فرهنگی دیده شود. در حقیقت حتی وقتی امکانات متعددی وجود داشته باشد، کارهای عادی و روزمره توسط ریشه‌های فرهنگی هدایت می‌شوند، نظری گردهمایی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی. توجه به این موضوع که انسان‌ها چگونه از فضاهای زندگی در رسوم روزمره استفاده می‌کنند، نکته‌ای کلیدی است که می‌تواند معانی نهفته در محیط‌های زندگی آن‌ها را روشن نماید. لارنس (Lawrence, 1995) در این باره اظهار می‌دارد که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیتها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. رسوم زندگی که نقش محوری در این ارتباط ایفا می‌کنند، می‌توانند در کشف شیوه استفاده از فضاهای بسیار سودمند باشند.

در میان بر جسته‌ترین رسوم و قواعد، رعایت آداب ساخت و ساز، هم از نقطه نظر به نمایش گذاشتن مقام اجتماعی خانواده و هم از نقطه نظر رعایت آداب اجتماعی در محیط‌های مسکونی مورد توجه قرار می‌گیرد. آداب ساخت و ساز بیشترین تأثیر را در روش استفاده از فضاهای عمومی، تعیین محدوده‌های مالکیت، نوع جهت‌گیری ساختمان؛ فاصله آن‌ها از یکدیگر و مهم‌ترین آن‌ها سلسله مراتب دسترسی از طریق توجه به شأن و مرتبه حرمت هر بنا در محیط پیچیده محله‌ای و محیط کلان شهری، خواهد داشت.

مفهوم روش زندگی که به بسیاری از جنبه‌های رفتاری وابسته است، در طراحی محیط‌های مختلف از طریق



۱.	وروودی
۲.	حیاط
۳.	هشتی
۴.	دستشویی
۵.	اتاق
۶.	ایوان
۷.	حمام
۸.	آشپزخانه
۹.	انبار

"ت ۸" واحد مسکونی. خانه سلیمانی، لافت، جزیره قشم.

نتیجه

در روش زندگی که انتخاب‌ها قاعده‌مند می‌گردد، شرایط کیفی آن کامل‌تر از کیفیت‌های محیطی است، زیرا می‌توان آن را ترکیبی از کیفیت‌های محیطی و کیفیت عادی و فرهنگی انسان در نظر گرفت. در چنین شرایطی کیفیت‌های محیطی با روش زندگی در تعامل قرار می‌گیرند. به طور بالقوه این دیدگاه در برنامه‌ریزی، طراحی، ارزیابی و هم چنین تحقیقات بسیار پر اهمیت خواهد بود. زیرا می‌توان تأثیرات روش زندگی را بر کیفیت‌های محیطی و انتظارات ساکنان از محیط‌ها مورد مطالعه قرار داد، یا می‌توان تأثیر محدودیت‌ها را بر امکان سنجی مطالعه و تحلیل نمود.

منابع

- آشوری، داریوش. *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. چ. ۲. تهران: آگاه، ۱۳۸۱.
- سرتیپی پور، محسن. *خانه‌های روستایی ایران*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
- Chaney, David, *Lifestyles: Key Ideas*, Routledge, London, 1996.
- Dahl, Dan and Randolph Sykes, *charting your goals: personal life-goals planner*, New York, Harper & Raw, 1983.
- Lawrence, R.J., *Deciphering home: an integrative historical perspective*, In: Benjamin and Stea, 1995.
- Rapoport, Amos, A. *House Form and Culture*, Englewood Cliffs, CA: Prentice Hall, 1969.
- Rapoport, Amos, *Culture Architecture and design*, Locke science publishing company, Inc, Chicago, USA, 2005.
- Rapoport, Amos, the *study of spatial quality*, J of Aesthetic Education vol.4, n4, October 1970, p. 81-96.

تأثیرات متقابل محیط و رفتار، روش استفاده از فضاهای تعیین می‌کند. روش زندگی که منتج از رفتارها و سیستم‌های رفتاری می‌باشد، ارزش‌های فرهنگی را در درون خود به همراه دارد. معماران و برنامه‌ریزان که با تحلیل‌های رفتاری نسبتاً آشنایی دارند، باید به "معنی" به عنوان محصولی از ادراک محیط نیز توجه نمایند. زیرا در بسیاری از مواقع تصور نادرستی از تفاوت بین "عملکرد" و "معنی" وجود دارد. "معنی" فقط شرایط مهمی از عملکرد و رفتار نیست، بلکه "مهم‌ترین نقش کیفی و کارامدی "محیط مصنوع" را مطرح می‌کند، زیرا شرایط ویژه‌ای از سیستم‌های رفتاری، منجر به ویژگی در قرارگاه‌های رفتاری می‌گردد و محیط‌های متفاوت از یکدیگر به وجود می‌آیند، که منتج از رابطه بین فرهنگ و محیط خواهد بود. لذا روش زندگی و سیستم‌های رفتاری هر دو با هم در تحلیل محیط‌ها در کنار هم حضور دارند.

روش زندگی نظری کیفیت‌های محیطی نتیجه یک انتخاب است و در حقیقت یک انتخاب قاعده‌مند است از بین گونه‌های مختلف که واجد ویژگی خاصی می‌باشد. یک شیوه مناسب جهت مطالعه روش زندگی گروه‌های مختلف، بررسی متغیرهای اصلی است، زیرا به راحتی می‌توان آن‌ها را در محیط‌های زندگی مشاهده نمود. از سوی دیگر متغیرها نیز می‌توانند گروه‌های مختلف را مشخص نمایند.

مطالعه درباره روش زندگی را می‌توان با استفاده از چهار متغیر اصلی شروع نمود، این متغیرها شامل طبیعت اجزاء، مرتبه اجزاء (یعنی میزان اهمیت آن‌ها نسبت به یکدیگر) وجود یا عدم وجود اجزاء، میزان اندازه آن‌ها در مقایسه با دیگر اجزاء می‌باشد. هدف از اجزاء در حقیقت فضاهایی هستند که در تجلی روش زندگی نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند.

- Saunders, Peter; *A Nation of Home Owners*, London: Unwin Hyman, 1990.
- Thorns, C, Perkins, H. C., *Exploring the Meaning of Home: Build*, November/December, 2000.
- Zukin, Sharon, *Cultures of Cities*, Cambridge, Mass.; Oxford: Blackwell, c1995.